

شماره جلسه : ..... تاریخ : ..... تهیه کننده : .....

نام درس : راز موفقیت

پایه : نهم

موضوع درس : علم و اهمیت آن، زندگی نامه یکی از مشاهیر علمی، راز موفقیت در این زمینه  
 هدف درس : ۱- آشنایی با یکی از چهره‌های علمی کشور (خواجه نصیر)

۲- اهمیت علم و راز موفقیت خواجه در این زمینه

نحوه ارزشیابی	فعالیت‌های دیگر	زمان	ابزارهای آموزشی	روش‌های تدریس	مراحل روش	ارزشیابی تشخیصی	پیش‌بینی رفتار و ردی	هدف‌های رفتاری	هدف‌های کلی	روش مطالب
۱- ارائه تکلیف‌های : ۱- تمرینی ۲- تکمیلی ۳- خلاق		۷۰ دقیقه	۱- پوستر و عکس‌های اینترنتی از خواجه نصیرالدین طوسی ۲- کتاب درسی و ابزار نوشتن ۳- لایس‌های قدیم و روزه نمایش که از قبل آماده شده	۱- پرسش و پاسخ ۲- سخنرانی ۳- ایفای نقش خلاق و نمایش	۱- آمادگی و ایجاد انگیزه ۲- معرفی درس و بحث در مورد علم و اهمیت آن در زندگی ۳- ارائه درس به روش ایفای نقش و نمایش	۱- چند پرسش از درس قبل ۲- آشنایی جزئی با چهره‌های درخشان کشور و چند سوال از چهره‌های علمی گذشته	۱- آگاهی اندک از خواجه نصیرالدین‌توسی ۲- آشنایی با نقش چهره‌های درخشان کشور و اهمیت علم و نقش آن در زندگی انسان	۱- آشنایی با زندگی چهره درخشان علمی کشور «خواجه نصیر» ۲- درک اهمیت علم و نقش آن در زندگی انسان ۳- توانایی تحلیل زندگی علمی خواجه نصیر ۴- آشنایی با لغات جدید درسی و درک معنی آنها ۵- آشنایی با شیوه آموزش علم در گذشته	۱- عشق ورزی به علم ۲- ایجاد علاقه به چهره درخشان علمی کشور «خواجه نصیر» ۳- پرورش خلاقیت‌های علمی دانش‌آموزان ۴- تقویت علاقه به استاد ۵- خواجه نصیرالدین‌توسی ۶- ....	۱- مقدمه درباره علم و اهمیت آن در زندگی انسان ۲- شرح زندگی نامه خواجه نصیر ۳- خواندن متن درس ۴- اجرا و ارائه درس به شیوه ایفای نقش و نمایش خلاق ۵- بررسی و تحلیل نمایش ۶- ارزشیابی پایانی

ارائه تدریس راز موفقیت: بعد از ارزشیابی تشخیصی و اطمینان از درک درس قبلی و آشنایی با نمای کلی درس توسط دانش آموزان، مراحل زیر به ترتیب اجرا می‌گردد:

۱- آمادگی و ایجاد انگیزه: برای آماده‌سازی فضای کلاس پوستره‌های مربوط به خواجه نصیرالدین توسی و تنی چند از چهره‌های درخشان و معروف علمی کشور از جمله ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی بر دیوار کلاس و مقابل دید دانش آموزان پیش از شروع درس نصب می‌گردد.

برای برانگیختن حس کنجکاوی و ایجاد انگیزه، چند سؤال درباره شناخت شخصیت‌ها و چهره‌های مربوط به پوسترها و تصاویر، مطرح و زمینه معرفی فراهم می‌شود.

۲- با به کارگیری روش‌های تدریس سخنرانی و پرسش و پاسخ، درس معرفی و درباره علم و اهمیت آن و همچنین تحمّل سختی‌های کسب علم بحث می‌شود.

۳- متن درس با روش آزادخوانی و ایفای نقش (چند دانش آموز یکی در نقش راوی و بقیه در نقش‌های خواجه نصیرالدین، هم کلاسی او، استاد و پدر ایشان) روخوانی می‌شود.

۴- اکنون دانش آموزان علاقه‌مند، برای ایفای نقش و نمایش خلاق که قبلاً وسایل و ابزار آن را (لباس، صورتک، کتاب و...) مهیا کرده‌اند، آماده می‌شوند.

۵- پس از آمادگی مقدماتی و تعیین نقش‌ها، مرحله اجرای نمایش فرا می‌رسد. یک نفر به عنوان راوی با صدای بلند متن مخصوص به خود را می‌خواند و دانش آموزان مورد نظر، هر کدام در نقش خود (یک نفر در نقش خواجه نصیر، دیگری در نقش هم کلاسی او و دو نفر در نقش استادان خواجه یعنی استاد حاسب و استاد حمزه و یک نفر در نقش پدر خواجه) به ایفای نقش و ارائه نمایش می‌پردازند.

۶- بحث و بررسی و ارزشیابی: پس از اتمام مرحله اجرا، تماشاگران به صورت گروهی و با هدایت معلم، به ارزشیابی و بررسی کلیه مراحل اجرایی می‌پردازند و انتظارات و پیشنهادهای خود را ارائه می‌دهند. هدف از این مرحله، اصلاح و تقویت نکات مثبت و رفع نکات منفی نمایش‌نامه و نقش‌هاست.

۷- جمع‌بندی: در این مرحله، خلاصه درس بیان می‌شود و راز موفقیت خواجه در کسب مراتب علمی یادآوری می‌گردد.

۸- ارزشیابی: در این مرحله علاوه بر چند سؤال شفاهی با دادن انواع تکلیف می‌توان به یادگیری بهتر درس اثر بخشید و دانش آموزان را به تفکر و کسب خلاقیت در این زمینه رساند. تکالیفی که در این بخش داده می‌شود، می‌تواند یکی از انواع زیر باشد.

۱- تکلیف تمرینی (حل خود ارزیابی‌ها و تمرین‌های درک مطلب)

۲- تکلیف بسطی و امتدادی، تکلیف خلاقیتی

برای مطالعه بیشتر دربارهٔ خواجه نصیرالدین توسی به اطلاعات تکمیلی درس پنجم مراجعه کنید.

ابوریحان بیرونی: محمد بن احمد خوارزمی، متفکر بزرگ، ریاضی‌دان و منجم ایرانی است. ولادتش به سال ۳۶۲ در حومهٔ شهر «کاث» خوارزم اتفاق افتاد. تحصیلاتش در خوارزم انجام یافت و در آنجا علوم ادبی و طبیعیات و ریاضیات را نزد استادان فرا گرفت. پس از آن بر اثر ضعف و تباهی کار سلسلهٔ آل عراق، خوارزم را ترک گفت و به خراسان و از آنجا به ری، طبرستان و گرگان رفت. وی مدتی با عزت و احترام در خدمت «شمس المعالی قابوس بن وشمگیر» به سر برد و کتاب آثار الباقیهٔ خود را به نام او در سال ۳۹۱ تألیف کرد و چند سال بعد به خوارزم بازگشت و به خدمت خوارزمشاهان آل مأمون درآمد و به مرتبهٔ ندیمی و مشاورت ابوالعباس مأمون رسید. در این ایام، محمود غزنوی به بهانه‌هایی شروع به دخالت در امور خوارزم کرد و در سال ۴۰۸ هجری آن را تصرف نمود. بعد از این واقعه ابوریحان که از همهٔ غنایم خوارزم برای محمود پرارزش‌تر بود به همراه سپاهانش به غزنین برده شد و از آن پس به عنوان منجم در دربار غزنوی خدمت کرد. وی همراه محمود سفرهایی به هندوستان نمود و با علمای آن دیار، معاشرت یافت و از آنان زبان سانسکریت، حکمت، ریاضیات و نجوم را آموخت و از حاصل این مطالعات، شاهکار بی نظیر خود، کتاب «ماللهند» را پدید آورد. ابوریحان به سال ۴۴۰ هجری در شهر غزنه درگذشت.

ابوریحان فهرستی از تألیفات خویش تا شصت و پنج سالگی داده که شامل یکصد و سیزده کتاب با موضوعات مختلفی از قبیل هیئت، طب، حکمت، حساب، نجوم، مباحث فیزیکی، تاریخ، جغرافیا و عقاید و احادیث است. از آثار متعدد ابوریحان، امروز در حدود بیست اثر مشهور بازمانده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، آثار الباقیه، قانون مسعودی و تحقیق ماللهند.

## اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با نمونه‌ای دیگر از ادبیات دفاع مقدس (علم)
- ۲- خوانش متن با لحن مناسب (عمل)
- ۳- آشنایی با آرایه تلمیح (علم)
- ۴- تقویت روحیه ایثار و مبارزه تا پای جان در راه وطن و میهن‌دوستی (باور)
- ۵- تقویت توانایی استنباط پیام‌ها و نکته‌های برجسته متن (تفکر)
- ۶- تقویت نگرش مثبت نسبت به ارزش‌های فرهنگی و انقلابی (اخلاق)
- ۷- تقویت کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در فعالیت‌های نوشتاری، گفتاری و رفتاری فراگیران (عمل)



## روش‌های تدریس پیشنهادی

- بحث گروهی
- ایفای نقش
- روشن سازی طرز تلقی و ...

## کار افزارها و رسانه‌های آموزشی

کتاب‌های مرتبط با درون‌مایه و مضمون درس، تخته، گچ، ماژیک، عکس، فیلم و ... در ارائه این درس چنانچه تصاویر یا فیلم‌هایی درباره جبهه‌های جنگ تحمیلی، پیروزی و شهادت رزمندگان و اسطوره‌های تاریخی ایران زمین به نمایش درآید، تدریس را اثرگذارتر و حس میهن دوستی را قوی‌تر می‌سازد.

## درنگی در متن

منظومه «کودکی از جنس نارنجک» سروده محمد گودرزی دهریزی (متولد ۱۳۴۸ تهران) است. شاعر در منظومه کودکی از جنس نارنجک، با نگاهی دیگر به موضوع شهادت حسین فهمیده نگریسته است. این اثر با وزنی حماسی به فداکاری‌های این نوجوان پرداخته است، شاعر این واقعه را با لحنی آمیخته به حماسه و اسطوره روایت کرده، چرا که حرکت حسین فهمیده حرکتی حماسی است و باید آن را با یک جریان توصیفی، روایی و حماسی برای کودک و نوجوان روایت کرد تا تأثیرگذار باشد.

این منظومه با توصیفی از جبهه‌های جنگ تحمیلی که در جنوب سرزمین ایران روی داده است، آغاز می‌گردد و با تکرار مصراع‌هایی در سراسر متن (جنگ، جنگی نابرابر بود...) بر غیرمتعارف و حماسی بودن آن تأکید دارد، سپس کنش فوق‌باور شهید حسین فهمیده را روایت می‌کند و در پایان با به تصویر کشیدن اهتزاز پرچم کشورمان، سربلندی و ماندگاری ایران زمین را یادآور می‌شود.

«بحر رمل» وزنی است که شاعر، واژه‌ها، جمله‌ها و توصیف‌های حماسی رزمندگان را در آن به نمایش گذاشته و با مبالغه‌های شاعرانه که در گونه حماسی کاربرد دارد، همراه ساخته است. لحن توصیفی - حماسی از ویژگی‌های خوانش این متن است.

در فَعَالِیْت‌های نوشتاری این درس به هدف‌های زیر توجّه کنیم :

تمرین یکم :

- تقویت مهارت املائی
- تقویت توانایی شناخت واژگان نادرست املائی
- کاربست درست واژگان با توجّه به بافت جمله

تمرین دوم :

- تقویت مهارت شناخت تلمیح در شعر
- تقویت خوانش شعر با آهنگ و لحن مناسب
- تقویت پیوندهای متن با آموخته‌های پیشین

تمرین سوم :

- خوانش مناسب متن
- درک بیان ادبی جمله‌ها و تبدیل آن به بیان دانش‌آموزی
- تقویت نوشتن درک معانی متن به زبان معیار
- تقویت خلاقیت در نوشتار

برخی از نکات ادبی و زبانی درس آرشى دیگر

- از میان آتش و باروت
- می‌وزید از هر طرف، هر جا
- تیرهای وحشی و سرکش
- موشک و خمپاره و ترکش .....

- مراعات نظیر (موشک، خمپاره، ترکش، تیر و .....)
- جناس ناقص اختلافی (سرکش - ترکش)
- استعاره (تیر وحشی و سرکش): تیر مانند حیوان وحشی و سرکش است.  
آن طرف، نصف جهان با تانک‌های آتشین در راه  
این طرف، ایرانیان تنها  
تلمیح به جنگ ایران و عراق  
این طرف تنها سلاح جنگ، ایمان بود - تشبیه بلیغ اسنادی ایمان (م) / سلاح جنگ (م ب)  
خانه‌های خاک و خون خورده  
مهد شیران و دلیران بود
- استعاره - شیران و دلیران (استعاره از مبارزان ایرانی)
- واج آرایی - در حرف خ (خانه‌های خاک و خون خورده)  
- شهر خونین، شهر خرّمشهر  
در غروب آفتاب خویش  
چشم در چشم افق می‌دوخت  
در دهان تانک‌ها می‌سوخت ← تشخیص / کنایه / استعاره  
شهر خونین، شهر خرّمشهر  
چشم در چشم افق می‌دوخت  
شهر از آن سوی سنگر / شیر مردان را صدا می‌زد: ← تشخیص / تشبیه  
ناممان در دفتر تاریخ / کوچک و کم‌رنگ خواهد شد
- تشبیه بلیغ اضافی - دفتر تاریخ  
خون میان سنگر آزادگان جوشید / مثل یک موج خروشان شد ← تشبیه / مبالغه / کنایه  
کودکی از دامن این موج بیرون جست / از کمند آرزوها رست  
دامن این موج - تشخیص  
کمند آرزو - تشبیه بلیغ اضافی  
دست او در دست نارنجک - تشخیص کنایه  
صد هزاران چشم قاب عکس کودک شد - تشبیه - مبالغه  
← خط دشمن، گنج و سرگردان / چشم‌ها از این و آن پیرسان - تشخیص

دشمنان کوردل، اما  
 در دلش خورشید ایمان را نمی‌دیدند  
 اضافهٔ تشبیهی - خورشید ایمان (ایمان مشبه)/ خورشید (مشبه به)  
 تیغ آتش خیز دستان را نمی‌دیدند  
 در نگاهش خشم ایمان را نمی‌دیدند  
 بر کمانش تیر آتش را نمی‌دیدند  
 در رگش خون سیاوش را نمی‌دیدند  
 - تلمیح به داستان زال / آرش و سیاوش «شاهنامهٔ فردوسی» از داستان‌های حماسی  
 یک تنه با تانک‌ها تان در کمینم  
 مثل کوهی آهنینم ← تشبیه  
 ناگهان تکبیر پر وا کرد ← استعاره  
 در میان آتش و باروت غوغا کرد  
 کودکی از جنس نارنجک ← کنایه  
 در دهان تانک‌ها افتاد ← تشخیص  
 تلی از خاکستر خاموش  
 ماند روی دست‌های دشت ← تشخیص  
 تشخیص (دست دشت) ← جناس ناقص اختلافی  
 آسمان از شوق، دف می‌زد ← تشخیص  
 شط خرمشهر، کف میزد ← کف زدن  
 ۱- ایهام  
 الف) کف روی آب، ب) دست زدن (صدای برخورد امواج)  
 ۲- تشخیص  
 شهر یکباره به خویش آمد ← تشخیص/ کنایه/ مجاز  
 چشم اشک آلوده را وا کرد ← تشخیص

\*\*\*

در ادبیات ملل اسلامی، شعر فقط از دیدگاه ظاهر تقسیم‌بندی شده است. این گونه تقسیم‌بندی که



براساس صورت و شکل آثار ادبی بنیاد شده، بی فایده نیست اما مشکلاتی دارد، از جمله اینکه شاعران قدیم ما، سیر تاریخی و تحوّل ذهنی خود را ثبت نکرده‌اند.

گذشتگان ما آثار نثر فارسی را نیز بر پایه شیوه نگارش (به نثر ساده، مسجع و ...) تقسیم‌بندی کرده‌اند. اما در ادبیات جهان، آثار ادبی براساس اندیشه، محتوا و حوزه عاطفی به چهار نوع حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی، تقسیم‌بندی شده‌اند.

فایده اصلی تقسیم‌بندی آثار ادبی بر اساس انواع (محتوا و حوزه عاطفی) این است که به خوبی می‌توان علل ضعف یا نیرو یافتن یکی از انواع را در دوره‌ای خاص بررسی کرد.

### ادبیات حماسی

همان‌طور که ذکر شد، ادبیات حماسی یکی از انواع ادبی است. حماسه در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است. حماسه در اصطلاح، روایتی است داستانی از تاریخ تخیلی یک ملت که با قهرمانی‌ها و اعمال و حوادث خارق‌العاده درمی‌آمیزد. ویژگی اصلی حماسه، تخیلی بودن و شکل داستانی آن است. وجود انسان‌های آرمانی و برتر که از نظر نیروی جسمانی و معنوی برگزیده و ممتاز هستند، از ویژگی‌های حماسه به شمار می‌آید.

در حماسه رویدادهای غیرطبیعی و خلاف عادت، فراوان دیده می‌شود و همین رویدادهاست که می‌تواند آرمان و آرزوهای بزرگ ملّتی را در زمینه‌های مذهبی، اخلاقی و نظام اجتماعی نشان دهد و عقاید کلی آن ملت را درباره مسائل انسانی مانند آفرینش، زندگی، مرگ و جز آن بیان کند. در اشعار حماسی، شاعر، هیچگاه عواطف شخصی خود را در اصل داستان وارد نمی‌کند. به همین سبب، در سرگذشت یا شرح قهرمانی‌های پهلوانان و شخصیت‌های داستان خود، هرگز دخالت نمی‌ورزد و به نام و کام خود در باب آنها داوری نمی‌کند. در اینجا شاعر با داستان‌های شفاهی و مدون سر و کار دارد که در آن شرح پهلوانی‌ها، عواطف و احساسات مختلف مردم یک روزگار و مظاهر میهن‌دوستی، فداکاری و جنگ با تباهی‌ها و سیاهی‌ها آمده است.

### انواع منظومه‌های حماسی

در ادبیات ملل، از یک دیدگاه، دو نوع منظومه حماسی می‌توان یافت:

منظومه‌های حماسی طبیعی و ملّی که از نتایج افکار، علائق و عواطف یک ملت در طی قرن‌ها برای بیان وجوه عظمت و نبوغ آن قوم به وجود آمده است.

این نوع حماسه، سرشار از یاد جنگ‌ها، پهلوانی‌ها، جان افشانی‌ها و در عین حال، لبریز از آثار

تمدن و مظاهر روح و فکر مردم یک کشور در قرن‌های معینی از ادوار حیاتی ایشان است که معمولاً از آنها به دوره‌های پهلوانی تعبیر می‌کنیم. از این گونه منظومه‌های حماسی می‌توان به شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی در ادب فارسی اشاره نمود.

«شاهنامه فردوسی، شاهکار آثار حماسی ملی ایران و یکی از عالی‌ترین نمونه‌های شعر ساده و روان به سبک خراسانی است. موضوع این شاهکار جاودان، تاریخ ایران قدیم از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض حکومت ساسانیان به دست مسلمانان است و بر روی هم به سه دوره اساطیری، پهلوانی و تاریخی تقسیم می‌شود.

فردوسی در تدوین شاهنامه از مآخذی چند از جمله شاهنامه منثور ابومنصوری استفاده کرده است. شاهنامه که قریب شصت‌هزار بیت دارد، در واقع سند ملیت و قومیت ایرانیان و پشتوانه بزرگ زبان فارسی است و نه تنها از لحاظ تاریخی و ملی بلکه از جهت هنری و فنی بزرگ‌ترین اثر ادبی به‌شمار می‌رود. در طی این منظومه بزرگ چندین حماسه کامل و عالی مانند داستان سیاوش، داستان سهراب و... را می‌توان دید. عظمت این حماسه‌ها شاهنامه را در ردیف عالی‌ترین آثار حماسی جهان قرار داده است. هدف فردوسی از تدوین شاهنامه گذشته از احیای زبان فارسی، تقویت روحیه مبارزه‌جویی با بیگانگان و بیگانه پرستان و مقاومت در برابر دشمنان بوده است. به همین دلیل است که می‌بینیم همه‌جا در شاهنامه محرک اصلی جنگ، حس افتخار و عشق به آزادی یا حس انتقام است. یک جا کین ایرج در میان است و جای دیگر خون سیاوش. یک جا مرزهای ایران در خطر است و جای دیگر دین در شرف زوال و نابودی است در شاهنامه، همه‌جا، احساسات عمیق وطنی در کنار تعالیم لطیف اخلاقی جلوه‌گر است.» در این دسته منظومه‌ها، شاعر به ابداع و آفرینش توجهی ندارد بلکه داستان‌های مدون کتبی یا شفاهی را که ظاهراً از بعضی وقایع خارجی نشئت گرفته‌اند، با قدرت شاعرانه خویش نقل می‌کند.

**منظومه‌های حماسی مصنوع:** در این منظومه‌ها شاعر با داستان‌های پهلوانی مدون و معینی سروکار ندارد بلکه خود به ابداع و ابتکار می‌پردازد و داستانی را به وجود می‌آورد. در این گونه داستان‌ها، شاعران آزاد و مختارند با رعایت قواعد و قوانینی که ناظر بر شعر حماسی است، به دلخواه موضوع داستان خود را ابداع کنند و تخیل خویش را در آن دخیل سازند.

منظومه‌های حماسی را از چشم‌اندازی دیگر، به حماسه‌های اساطیری و پهلوانی، حماسه‌های تاریخی و حماسه‌های دینی تقسیم کرده‌اند.

## ویژگی‌های حماسه (زمینه داستانی حماسه)

یکی از ویژگی‌های حماسه، داستانی بودن آن است؛ بنابراین، حماسه را می‌توان مجموعه‌ای از حوادث دانست. با اینکه در حماسه مجموعه‌ای از وصف‌ها، خطبه‌ها و تصویرها وجود دارد، اما همه این عناصر نسبت به «داستانی بودن» در مرتبه دوم هستند.

**زمینه قهرمانی حماسه:** بیشترین بخش حماسه را اشخاص و حوادث تشکیل می‌دهند. وظیفه شاعر حماسی آن است که تصویر ساز انسان‌هایی باشد که هم از نظر نیروی مادی ممتاز هستند و هم از لحاظ نیروی معنوی؛ قهرمانان حماسه، با تمام رفتی که از نظر عاطفی و احساسی در آنها وجود دارد، قهرمانانی ملی هستند، مانند رستم در شاهنامه فردوسی.

**زمینه ملی حماسه:** این حوادث قهرمانی - که به منزله تاریخ تخیلی یک ملت است - در بستری از واقعیات جریان دارند، واقعیاتی که ویژگی‌های اخلاقی نظام اجتماعی، زندگی سیاسی و عقاید آن جامعه را در مسائل فکری و مذهبی در برمی‌گیرد. شاهنامه نیز تصویری است از جامعه ایرانی در جزئی‌ترین ویژگی‌های حیاتی مردم آن، در همان حال که با خواندن شاهنامه از نبردهای ایرانیان برای کسب استقلال و ملیت در برابر ملل مهاجم، آگاهی می‌یابیم، از مراسم اجتماعی، تمدن و مظاهر مدنیت، اخلاق ایرانیان، مذهب ایشان و حتی خوشی‌های پهلوانان و بحث‌های فلسفی و دینی آنان مطلع می‌شویم.

**زمینه خرق عادت:** از دیگر شرایط حماسه، جریان یافتن حوادثی است که با منطق و تجربه‌های علمی سازگاری ندارد. در هر حماسه‌ای، رویدادهای غیر طبیعی و بیرون از نظام عادت دیده می‌شود که تنها از رهگذر عقاید دینی عصر خود، توجیه‌پذیر هستند. هر ملتی، عقاید ماورای طبیعی خود را به عنوان عاملی شگفت آور، در حماسه خویش به کار می‌گیرد و بدین گونه است که در همه حماسه‌ها، موجودات و آفریده‌های غیر طبیعی، در ضمن حوادثی که شاعر تصویر می‌کند، ظهور می‌یابند. در شاهنامه عمر هزار ساله زال، وجود سیمرغ، دیو سپید و ... عناصر و پدیده‌هایی هستند که هم چون رشته‌های استوار، زمینه تخیلی حماسه را تقویت می‌کنند.

کاربرد اصطلاح «حماسه» در ادبیات فارسی - که از قدیم‌ترین ادوار نمونه‌های برجسته حماسی را در برداشتند - امری است جدید که در پنجاه شصت سال اخیر، به حوزه تعبیرات نویسندگان و ادیبان ایرانی راه یافته است.

از آنجا که حماسه‌ها بزرگ و شکوهمند هستند، امروزه هر واقعه یا اثر بزرگ را حماسه می‌نامند. حماسه‌های معاصر نیز بسیار ارزشمند می‌باشند. به عنوان مثال «آرشی دیگر» گرچه همه ویژگی‌هایی را

که برای حماسه ذکر شد، ندارد، اما از آنجا که امروزه هر واقعه مهم یا اثر بزرگ را حماسه می‌نامند، حماسه اسطوره‌ای - پهلوانی و مذهبی به شمار می‌رود. سرگذشت حسین فهمیده از زبان «محمد رضا عبدالمکان» نیز با عنوان «حماسه چهارده ساله» به طرز شیوایی بیان شده است و در «آرشی دیگر» و «حماسه چهارده ساله» سرایندگان، علاوه بر توصیف فضایی حزن‌آلود، عظمت و تعالی حماسه‌های معاصر، ایثار، ایمان، عشق و پاک بازی شهید را ترسیم و توصیف می‌نمایند.

در ادبیات فارسی، اصطلاح حماسه پیش‌تر برای شعر به کار گرفته می‌شد، زیرا دو عامل «وزن و آهنگ» که اجزای جدایی‌ناپذیر منظومه‌های حماسی هستند، تنها در شعر یافت می‌شوند. با این حال، در منابع قدیم از شاهنامه‌های منثور، چون شاهنامه منثور «ابوالمؤید بلخی» یاد شده که نمونه‌هایی از آثار حماسی و پهلوانی هستند و جنبه ملی، تاریخی و مذهبی دارند.

**گسترده‌گی و تنوع معنای افعال:** فعل‌ها غالباً در هم‌نشینی با دیگر واژه‌ها و ارتباط با دیگر عناصر جمله، تغییرات معنایی می‌یابند و هر بار مفهوم دیگری پیدا می‌کنند.

هر فعل معمولاً یک معنای اصلی، مستقیم و تاریخی دارد که آن را در طول زمان به دست آورده است. به عبارت دیگر، بعضی از فعل‌ها به تنهایی و خارج از جمله، معنای ثابتی را به ذهن همگان تداعی می‌کنند، مانند فعل «خوردن» که تصور همگان از آن عمل «تناول» است. البته هر فعل در بافت‌های گوناگون معنای تازه‌ای می‌گیرد که ناشی از دگرگونی‌های تاریخی، اجتماعی و تحولات زبانی است. این معانی نیز واقعی هستند؛ مانند معنی فعل «خورد» در جمله‌های زیر:

- او غذا خورد. (تناول کردن)
- او با سر به دیوار خورد. (اصابت کردن)
- زنگ، آهن را خورد. (از بین بردن و ساییدن)
- صدایش به گوشم خورد. (رسیدن)
- او تمام پول‌هایم را خورد. (تصاحب کردن)
- او حقم را خورد. (پایمال کردن)
- کتاب خیلی به دردم خورد. (مفید بودن)
- رنگ پیراهنم به کتم خورد. (مناسب بودن)
- یک تاکسی به مسیرم خورد. (مناسب مقصد بودن)

- او خیلی غصه خورد. (تحمل کردن - کشیدن)
- کفش به پایم خورد. (اندازه بودن)
- موتور به ماشین خورد. (تصادف کردن)
- او فریب خورد. (متحمل شدن - پذیرفتن)
- رادیو سال‌ها در زیرزمین خاک خورد. (بی استفاده ماندن)
- خیلی به من ضرر خورد. (رسیدن)
- خانه‌های خاک و خون خورده (آغستن)
- کودک ما بغض خود را خورد. (پنهان کردن)
- به معنای فعل «دوخت» در جمله‌های زیر توجه کنید :
- خیاط، لباسم را دوخت. (معنای اصلی)
- ظالم، دهانم را دوخت. (بست)
- او برایم پاپوش دوخت. (توطئه کرد)
- شهر خونین، شهر خرمشهر و ... چشم در چشم افق دوخت. (نگاه کردن - خیره شدن - امیدوار بودن)

آرش یا ارخش (Erekhsha) : همان «آرش شیواتیر» است که در «مجمَل التواریخ و القصص» از او یاد شده است. در ادبیات فارسی، علاوه بر شیواتیر، به «کمان‌گیر» نیز معروف است. شیواتیر (شواتیر) ظاهراً همان شیباک تیر (Shepaktir) پهلوی است که «سخت‌کمان» و «دارنده تیزرو» معنی می‌دهد و «شواتیر» کسی است که تیر او یا خودش، همچون شیر است (یکی از سه ایزد بزرگ هند که بسیاری از صفاتش مانند ایزد تیر است).

اصل داستان آرش در اوستاست و با تفصیل بیشتر، در مدارک تاریخی و روایات دیگر نیز نقل شده است. پس از غلبه افراسیاب بر منوچهر، بر این قرار نهادند که در یک مصالحه، مرز ایران و توران را با پرتاب تیر یکی از پهلوانان ایران، معین کنند. «آرش شیواتیر» به این مهم گمارده شد. در این هنگام، فرشته «سفندارمذ» حاضر آمد و امر کرد تا تیر و کمان برگزینند و آنگاه آرش که مردی شریف و حکیم بود، حاضر آمد و به قوت خدا داد، دست به کمان برد و با همه نیروی خود از فراز کوه رویان (البرز) به سوی دورترین نشانه‌ها پرتاب کرد و چنان نیرویی برای پرتاب این تیر سرنوشت ساز به کار گرفت که با پرتاب آن تیر، زندگی‌اش نیز از کمان جستن گرفت و در راه آرمان خویش، در دم، جان سپرد.

تیر آرش را ایزد باد در سرزمین «فرغانه» بر تنه گردویی کهن سال، که در همه عالم از آن درختی بزرگ تر نبود، فرود آورد و آن، مرز ایران و توران شد. نوشته اند که از جای پرتاب تیر تا آنجا که افتاد، هزار فرسخ بود. فخرالدین اسعد گرگانی در اشاره به این واقعه گفته است:

از آن خوانند آرش را کمان گیر که از آمل به مرو، انداخت یک تیر

سیاوش، سیاوخش (دارنده اسب سیاه): فرزند کاووس، شاه کیانی است که پس از تولد، رستم او را به زابل برده و رسم پهلوانی، فرهیختگی و رزم و بزم به او می آموزد. در بازگشت، سودابه همسر کاووس شاه، به سیاوش دل می بندد، اما او که آزر و حیا و پاک دامنی و عفاف آموخته است، تن به گناه نمی سپارد و به همین دلیل از جانب سودابه متهم می شود.

سیاوش برای اثبات بی گناهی خویش از میان آتش می گذرد و از این آزمایش سرافراز بیرون می آید. گناه سودابه مسلم می شود، ولی سیاوش از کاووس می خواهد که از خون او بگذرد و کاووس گذشت می کند پس از چندی از جانب پدر برای مقابله با افراسیاب به سوی توران می رود. افراسیاب شکست می خورد، به اراده سیاوش، افراسیاب گروگان هایی نزد او می فرستد و سیاوش صلح را می پذیرد. اما کاووس از سیاوش می خواهد که پیمان بشکند و گروگان ها را بکشد و به جنگ ادامه دهد. سیاوش نمی پذیرد و از افراسیاب راهی می خواهد تا از توران بگذرد. اما او به شاهزاده ایرانی می گوید بیا و بمان. سیاوش رفت و ماند و با فرنگیس، دختر افراسیاب ازدواج کرد. اما عاقبت افراسیاب به تحریک گرسیوز - برادر افراسیاب - سیاوش را ناجوانمردانه می کشد و خون او در غربت و بی گناهی ریخته می شود. داستان سیاوش و مظلومیت او در ادب فارسی بازتابی گسترده داشته است و شاعران در اشعار خود فراوان به آن اشاره کرده اند.

«شاه ترکان سخن مدعیان می شنود شرمی از مظلومه خون سیاوشش باد»

حافظ

«هر گوشه ای از این حصار پیر / صد بیژن آزاده در بند است / خون سیاوش جوان در ساغر افراسیاب پیر می جوشد / خونی که با هر قطره اش صد صبح، پیوند است.» (محمدرضا شفیعی کدکنی) افراسیاب: افراسیاب پادشاه توران است که سال ها با پادشاهان و پهلوانان ایرانی نبرد کرده است. پس از آن که سیاوش به دست او کشته شد، کیخسرو و فرزند سیاوش انتقام خون پدر را از وی گرفت و او را کشت. افراسیاب چهره ای اهریمنی و بدکش دارد و دشمن ایرانیان است.

دستان: زال (دستان) پدر رستم بود که نزدیک هزار سال عمر کرد. وی فرزند سام نریمان پهلوان ایرانی بود. زال سفید موی بود و به همین دلیل به «زال» (یعنی پیر) معروف شد. نام های دیگر او

«دستان» و «زال زر» است. سام پس از تولد فرزند و دیدار وی، داشتن فرزند سپید موی را مایه ننگ شمرد و دستور داد کودک را به کوه البرز ببرند. سیمرخ که در کوه البرز آشیانه داشت زال را برگرفت و او را مورد پرورش خود قرار داد. سال‌ها بعد سام، فرزندش را به سرزمین خود فراخواند و وی پادشاه سیستان شد. زال دختر شاه کابل، «رودابه» را به همسری برگزید و رستم ثمره زندگی آنهاست. سرنوشت با زال چنان کرد که به دست بهمن، فرزند اسفندیار اسیر شد و در بدبختی تسلیم مرگ شد. زال در همه خطرها چاره‌گر رستم بود و بارها وی را از مرگ نجات داده بود.

نریمان ← سام ← زال ← رستم ← سهراب

### حکایت (نیک رایان)

این حکایت از کتاب بهارستان «جامی» برگزیده شده است. «نورالدین عبدالرحمن بن احمد بن محمد» معروف به جامی (۸۷۱-۷۹۳) ملقب به خاتم الشعرا، شاعر، موسیقی دان، ادیب و صوفی نامدار ایرانی در سده نهم هجری است. تخلص وی جامی و در جام از توابع هرات به دنیا آمده است. جامی در نظم و نثر آثار گران قدری را خلق کرده است که می‌توان به «هفت اورنگ» و «بهارستان» اشاره کرد. پذیرش کتاب گلستان سعدی در زبان فارسی به آن اندازه بود که بعد از قرن هفتم، اولاً در شمار کتاب درسی مبتدیان و فارسی خوانان درآید و ثانیاً چند بار مورد پیروی صاحب‌ذوقان قرار گیرد و از این راه کتاب‌هایی از قبیل: بهارستان جامی، خارستان مجدالدین خوانی و پریشان قانی به وجود آید. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب یافته است. جامی در دومین روضه کتاب خود از زبان حکما، حکایت‌هایی چند را بیان می‌کند. حکایتی که در کتاب فارسی نهم آمده نیز از این روضه برگزیده شده است. درون مایه حکایت بر این آموزه تأکید دارد که شغل و منصب، اعتبار خویش را از گران‌مایگی انسان‌ها به دست می‌آورد نه برخلاف دیدگاه ظاهر بینان که بر پایه شغل، انسان‌ها را ارزش‌گذاری می‌کنند. جامی در پایان این حکایت، قطعه‌ای در تحکیم این آموزه بدین‌گونه بیان می‌دارد:

بایدت منصب بلند، بکوش	تا به فضل و هنر کنی پیوند
نه به منصب بود بلندی مرد	بلکه منصب بود به مرد، بلند

(بهارستان جامی)

# زِنِ پارسا



## اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با عطار، تذکرة الاولیا و رابعه عدویه (علم)
- ۲- خوانش نثر کهن تذکرة الاولیا بالحن مناسب (عمل)
- ۳- تقویت نگرش مثبت به زنان و توانایی آنان در کسب مقامات عرفانی (باور)
- ۴- تقویت و تثبیت رفتارهای پسندیده، همچون مناعت طبع، جلب رضایت خدا، عبادت خالصانه و عاشقانه (اخلاق)
- ۵- تقویت توانایی درک و دریافت پیکره و اجزای متن (تفکر)
- ۶- آشنایی با ماضی استمراری و ماضی مستمر (علم)
- ۷- تقویت کاربست آموزه‌های درس در مهارت‌های گفتاری، نوشتاری و رفتاری (عمل)



## روش‌های تدریس پیشنهادی

- کارایی تیم
- روشن‌سازی طرز تلقی
- ایفای نقش و ...

## کار افزارها و رسانه‌های آموزشی

کتاب‌های مرتبط با درون‌مایه و مضمون درس و نویسنده، تخته، گچ، ماژیک، عکس، فیلم و ... در ارائه این درس چنانچه تصاویر یا فیلم‌هایی درباره زنان موفق و مسلمان ایرانی و غیرایرانی به نمایش درآید، تدریس را اثرگذارتر می‌سازد.

## درنگی در متن

تذکره الاولیا از نخستین کتاب‌هایی است که در شرح احوال عارفان و صوفیان به فارسی نگاشته شده است. متن «زن پارسا» که از این کتاب برگزیده شده، دارای نثری ساده و روان و برای آشنایی فراگیران با این کتاب سودمند است؛ به عبارتی نثری است نزدیک به «نثر مرسل» که به تناسب از آیه‌های قرآن کریم یا عبارات‌های قرآنی در آن دیده می‌شود. لحن بند نخستین درس که به معرفی «رابعه» می‌پردازد، لحن تعلیمی آموزشی است و دیگر بندهای متن با لحن روایی - داستانی خواننده می‌شود و به هنگام آموزش لازم است مورد توجه قرار گیرد.

از نشانه‌های نثر کهن فارسی که در این درس می‌توان به آن اشاره کرد، «باء تأکید»، «بیا»ی استمراری و تکرار کلمات به ویژه فعل است، مانند:

- پدر و مادرش بمردند... او را به چند درم بفروخت...
- رابعه دایم روزه داشتی و همه شب نماز کردی و تا روز بر پای بودی...
- در خانه پدرش چندان جامه نبود که او را در آن بپیچند و چراغ نبود و پدر او را سه دختر بود. رابعه چهارم بود.

توکل به خداوند، تحمل سختی‌ها در راه رسیدن به حقیقت، توجه به عبادت و پرستش آفریدگار جهان و نگاهداشت بندگان پاک از سوی خالق، آموزه‌هایی است که در این درس با آن رو به رو هستیم.

در فعالیت‌های نوشتاری این درس به هدف‌های زیر توجه کنیم :

**تمرین یکم :**

- کاربست مناسب نشانه‌های جمع (تکواژهای وابسته تصریفی)
- تقویت شناخت تکواژهای آزاد و تکواژهای تصریفی (مخلوقات)، (طراران، طرارها)، (خدمات، خدمت‌ها)، (عادلان)، (نظرها، نظرات)، (غریبان)

**تمرین دوم :**

- درک و دریافت مناسب واژه‌ها با توجه به بافت جمله
- تقویت دریافت پیام جمله با توجه به مفهوم واژگان

**تمرین سوم :**

- کاربست گونه‌هایی از فعل ماضی در جمله
- تقویت شناخت عناصر جمله با توجه به تغییر شخص و زمان
- او شعری می‌سرود/ تو داشتی شعری می‌سرودی و...

از جمله کسانی که به زنان نگرش مثبت دارد، عطار نیشابوری است. او جزء اولین عارفان نویسنده و شاعری است که به وصف حال رابعه عدویه پرداخته است. مبنایی که او در پرداختن به احوال رابعه به کار گرفته، این است که خداوند در اعمال آدمیان به ظاهر افعال و صورت افراد نمی‌نگرد و نیت را ملاک سنجش قرار می‌دهد. وی در این باب می‌گوید :

«اگر کسی گوید که ذکر او (رابعه) در وصف رجال چرا کردی؟» گوئیم : خواجه انبیا علیه الصلوه و السلام می‌فرماید که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ» کار به صورت نیست به نیت نیکوست.

نکته دیگری که در نگرش عطار نیشابوری وجود دارد، این است که اساساً زن عارف از مرحله زن بودن که در اندیشه و فرهنگ عصر عطار به عنوان موجودی ضعیف و احیاناً وسوسه‌گر تلقی می‌شد،

فرا تر رفته است. او در اشاره به این نکته می‌نویسد: «چون زن در راه خدای تعالی مرد باشد، او را زن نتوان گفت: چنان‌که عباسهٔ توسی گفت: چون فردا در عرصات آواز دهند که یا رجال! اوّل کسی که پای در صف رجال نهد، مریم بود؛ چه مریم زنی است که اوصاف مردان را در عرفان یافته است».

قرائت دیگری هم می‌توان از نظریهٔ عطار به دست داد. «مرد» آن است که به مرحلهٔ عرفان دست یابد بتواند روح خود را تکامل بخشد و به مقام فنا دست یابد. در این مرحله، چون انسان به اصل خود یعنی روح می‌رسد، نام «مرد» پیدا می‌کند و این مرد بودن صرفاً به معنای مذکر بودن نیست. بلکه مرد به هر انسانی اطلاق می‌شود که اهل «راه و طریقت است» و «مردانه» در این راه گام بر می‌دارد؛ چه روح را با مردی و زنی و شرقی و غربی و ترکی و عربی و ... کار نیست.

**کرامت اولیای خدا:** یک امر خارق العاده و فوق عادتی که در حیطة اسباب و مسببات، علت و معلولی و عقل و استدلال نمی‌گنجد، کرامت اولیاست. انسان دارای ابعاد جسمی، عقلی و روحی است. اگر هر یک از ابعاد مذکور صحیح و درست تربیت شود و انسان در این زمینه به شکوفایی استعدادهاش دست یابد و آن را از قوه به فعل در آورد، به قدرتی دست می‌یابد که گاه باور کردن آن دشوار است. خلق زیباترین و ظریف‌ترین آثار هنری همچون هنر نقاشی و طراحی، خط، مجسمه‌سازی و معماری، توسط انگلستان بر هنر انسان رقم می‌خورد. تسخیر طبیعت و جهان از جمله رام کردن درنده‌ترین حیوانات، سفر به فضا و کشف کرات دیگر، سفر به اعماق دریاها و اقیانوس‌ها و کشف نهفته‌های زمین و ... به دست عقل و اندیشهٔ بشری صورت می‌گیرد و در سایهٔ تربیت بُعد روحی، انسان به جایی رسد که جز خدا نبیند؛ بنابراین رسیدن به اوج قله‌های ایمان و فتح آن و طی مقامات عشق و عرفان و در نتیجه، تجلی نور معرفت بر دل انسان عارف و ظهور کرامات، در اندیشهٔ بشری و حوزهٔ عقل نمی‌گنجد و گاه انسان به انکار آن قیام می‌کند. معجزهٔ پیامبران و از همه مهم‌تر معراج پیامبر، اموری هستند معنوی که جز باورمندان آن را درک نمی‌کنند، آنچه که در درس (زن پارسا) برای رابعه اتفاق افتاده و در کتب عرفانی انعکاس یافته، قطره‌ای از کرامت عارفان و مؤمنان است که با قلب بصیر قابل درک است.

رابعه عدویه:

دربارهٔ ولادت او گفته‌اند که او در سال ۹۵ هـ. ق در بصره متولد شد. کنیهٔ رابعه عدویه، «ام‌الخیر» و پدرش «اسماعیل عدوی»، زادهٔ بصره بود. وقتی رابعه کودک بود در بصره قحطی افتاد و او را فروختند. روزگاری را به کنیزی گذراند. بعدها چون خواهش پارسایی و خدادوستی او را دید آزادش کرد. رابعه در عمر خود هرگز شوهر نگزید و با خلق مزدور و ریاکار سر نکرد و با آنان به

گفت و گو و مصاحبت نشست. البته خواستگاران زیادی از او درخواست ازدواج کردند اما وی پاسخ مثبت نداد و تنها چیزی که در جواب آنان می‌گفت این بود که: «در من وجودی و اختیاری نمانده است، مرا از او باید خواست.»

او مدت‌ها در بیابان‌ها می‌زیست تا اینکه در بصره اقامت گزید. ابتدا به موسیقی علاقه‌مند بود ولی پس از مدتی از آن روی‌گردان شد و به عبادت و تضرع روی آورد. او از راه طریقت به دنبال کشف حقیقت رفت تا به مراحل بالایی در عرفان دست یافت.

«سفیان ثوری» با رابعه، معاصر و به قدر او معترف بوده است. وی به زیارت رابعه رفته و لحظه‌های حضور در محضر او را غنیمت می‌شمرد و مشکلاتی را که در حقایق عرفان با آن مواجه بود از وی می‌پرسید. رابعه نیز با علم به دقائق عرفانی در حل آنها سعی بلیغ به کار می‌بست. نقل است که روزی سفیان به رابعه گفت: «درجهٔ ایمان و اعتقاد خود را به حضرت حق - جل و علا - برای من بیان کنید». رابعه گفت: «من خدا را به شوق بهشت و خوف جهنم نمی‌پرستم بلکه از کمال عشق به آن حضرت و برای ادای شرایط عبودیت، عبادت می‌کنم.»

رابعه عدویه به شهادت خاص و عام در کشف حقایق عرفانی، مقام بلندی یافته است. هر زنی را که می‌خواهند به مقامات معنوی بستانند، او را به رابعه مانند می‌سازند.

رابعه عدویه با توجه به تحولاتی که در عرفان به عمل آورده، مورد عنایت و اهتمام خاص و عام بوده است و بزرگان عرفان او را در عصر خود حجت می‌دانسته‌اند.

در مقام رابعه، همین بس که او به خاطر نگرستن به غیر خدا مورد غضب الهی قرار می‌گیرد. چه عارف کامل، کسی است که جز خدا نبیند، نه اینکه ببیند و چشم از او بازدارد. نقل است که رابعه روزی بیمار شد، سبب بیماری پرسیدند، گفت: «نظرتُ الی الجَنَّة، فادبِنی رَبِّی»؛ «در سحرگاه دل ما به بهشت میلی کرد، دوست ما با ما عتاب کرد، این بیماری از آن است». همچنین در مقام عرفانی این زن بس که در تعریف صداقت و راستی بگوید که: «راستی آن است که بر عتاب مولا شاکر باشد».

در بیان مقام رابعه، این نکته لازم به ذکر است که اگر آدمی عبادات را توفیقی الهی دانسته، بر آنها پایداری نماید و بر انجام آنها سپاسگزاری، به یقین به رتبهٔ اولیای الهی می‌رسد.

رابعه به دلیل سلوکی که در کمالات انسانی و فضایل نفسانی داشته و عموم راهبان و سالکان طریقت بر این مدعا صحه نهاده‌اند، نسبت به بسیاری از مردان عصر خود برتری داشته است و از این جهت او را «تاج الرجال» لقب داده‌اند. به طور کلی دربارهٔ رابعه باید گفت که او در زهد و تقوی در عصر خود - به ویژه در میان زنان - بی‌بدیل، اسوه و نمونهٔ پرهیزکاری و تقوی به شمار می‌آمد.

رابعه و نحوه ورودش به طریقت الهی: نقل کرده اند که وقتی رابعه به دنیا آمد، پدرش به تنگدستی سختی گرفتار شده بود به گونه ای که روغنی یافت نمی شد تا ناف او را چرب کنند، مادر رابعه ندا داد که به خانه همسایه رجوع کند تا قطره ای روغن تهیه نماید، اما او عهد بسته بود که از هیچ فردی، چیزی نخواهد. از منزل بیرون شد تا در خانه همسایه را بزند و این کار را کرد ولی جوابی از صاحب خانه نشنید، به منزل خود برگشت و اعلام کرد که کسی جوابش را نداد. مادر به حدی گریست که خوابش برد و در خواب پیامبر (ص) را دید. آن حضرت خطاب به وی فرمود: «غمگین مباش که این دختر، سیده است و هفتاد هزار از امت من در شفاعت او خواهند بود».

مدتی سپری شد و پدر و مادر رابعه از دنیا رفتند، در بصره قحطی سختی پدیدار شد و خواهران رابعه پراکنده شدند و او نیز چون از خانه بیرون رفت، ظالمی او را دید و گرفت و به شش درهم فروخت و خریدار، او را به کارهای مشقت بار و امی داشت. روزی رابعه از جایی گذشت، نامحرمی او را دید و قصد او کرد، او دست به دعا بلند کرد و به خدای تعالی عرض کرد: «خدایا غریبم و اسیر... و تو می دانی که جز به رضایت تو کاری انجام نمی دهم و حاضریم به هر بلائی بیفتم به شرط آنکه تو از من راضی باشی!». ندایی شنید که از آینده درخشان او نزد خداوند خبر می داد، بدین ترتیب زمینه ورود او به طریقت الهی فراهم شد. این اتفاق وقتی مسلم شد که رابعه، مره شیرین عبادت را چشید و از هر فرصتی استفاده کرد تا حلاوت اطاعت از حق تعالی را بیشتر بچشد. نقل است که یک شب سرور او از خواب بیدار شد و از روزه خانه به بیرون نگریست. رابعه را دید که سر به سجده نهاده است، می گوید: «الهی تو می دانی که هوای دل من در موافقت فرمان تو است و روشنایی چشم من در خدمت درگاه تو است، اگر کار به دست من باشد، یک لحظه از عبادت تو غفلت نمی کنم ولی تو مرا تحت سلطه آفریده ای از آفریدگان خود کرده ای». وقتی خواجه این جریان را دید و مناجات او را شنید، رابعه را پیش خود خوانده و آزاد کرد. پس از آن رابعه، روی در بیابان نهاد و سفر حج آغاز کرد.

ابزار عرفانی رابعه: در اسناد و مدارک و منابع مربوط به زندگی رابعه، اطلاعاتی از نحوه بهره گیری وی از عرفان در دست نیست. آنچه که در منابع از آنها به عنوان ابزار عرفان و تجربه عرفانی یاد شده، عبارت است از: شب زنده داری.

رابعه، شب های زیادی را تا صبح بیدار مانده و به شب زنده داری پرداخته است. مسلماً الهام بخش رابعه در این مورد، قرآن کریم بوده است که می فرماید: «والدین بییتون لرثم سجداً و قیاماً (فرقان، ۶۵)»، در حال سجده و قیام به روز وارد شوند.

اعمالی که رابعه در شب زنده داری انجام می داده به این ترتیب بوده است: (۱) نماز (۲) دعا (۳) تلاوت

قرآن کریم (۴) یاد مرگ (۵) خوف و محبت.

از دیدگاه سرحلقه عارفان مسلمان، امام علی (ع)، آدمی باید به کسی امید بندد که از او می‌ترسد؛ به کسی پناه برد که هم حیات در دست اوست و هم ممات. از این جهت، عارف کامل کسی است که در نوسان میان این دو حال باشد؛ یعنی از محبت الهی و توفیق نباید در زندگی مغرور شود که خوف و حرمان در کمین او نشسته است و از شکست و ترس نومید نشود که خدای رحمان، معدن محبت و لطف است.

صاحب «الروض الفایق فی المواعظ و الرقایق» چنین روایت کرده که گفته است: از رابعه عدویه رحمها الله تعالی حکایت شده است که وقتی نماز عشا می‌گزارد، بر پشت بام می‌رفت و چادر و مقنعه‌اش را محکم می‌کرد و می‌گفت: «خدای من! ستاره‌ها بیدار و منور شدند و چشم‌ها به خواب رفتند، پادشاهان در خانه‌هاشان را بستند، و هر دل‌داده با دلبر خویش خلوت کرد، من هم اینجا در مقابل تو ایستادم»، سپس بر سجده‌گاهش بوسه می‌زد، و به هنگام سحر می‌گفت: «خدای من! این شب به پایان رسید و صبحدمی، و ای کاش می‌دانستم که آیا اعمال این شبم را از من پذیرفتی تا خشنود شوم؛ یا آنکه آن را رد کردی تا عزادار شوم و سوگواری کنم، و به عزت سوگند، اگر مرا از درت برانی، از وقتی که محبتت در دلم افتاده است، از آن روی گردان نشده و نخواهد شد».

اگر بخواهیم مهم‌ترین اقدام رابعه را یادآور شویم، باید از تحوّلی که او در عرفان اسلامی به وجود آورد، نام ببریم و آن وارد کردن مفهوم عشق و محبت الهی در عرفان اسلامی است. از این نظر که رابعه در عرفان و سلوک عرفانی‌اش به عشق و محبت، توجّه عمیقی مبذول می‌داشت. او را امام عاشقان دانسته‌اند و از آن جهت که محبت رابعه به خوف الهی آمیخته بود، او را پیشوای عارفان اندوهگین نام نهاده‌اند؛ چرا که رابعه، بسیار گریه می‌کرد و خوف الهی سراسر وجود او را گرفته بود.

رابعه در سلوک عرفانی و تعالیم خود روش تازه‌ای در پیش گرفت. او زیبایی و عشق و محبت را با عرفان عجین کرد و بر آن تأکید داشت. برخلاف صوفیانی که در زیبایی‌های جهان، جمال حق را مطالعه می‌کردند، او به زیبایی‌های جهان ظاهر، بی‌اعتنا بود. در یک شب بهاری، خادمه‌اش او را بیرون خواند و گفت بیرون بیا تا آثار خدا را ببینی. وی در جواب گفت که «تو، به درون آی تا خدای بینی».

رابعه برای نیل به دیدار خدا پیوسته در طوفانی از اشک و اندوه عاشقانه به سر می‌برد. زندگی او سراسر سادگی بود. سخنانش در بیان سوز محبت، تأثیری بی‌مانند داشت. ظهور رابعه و تعالیمش نقطه عطف تصوّف بود که تدریجاً از زهد خشک، مبتنی بر خوف و مشیت به معرفت دردآلود، مبتنی بر عشق و محبت گرایید.

در سخنانی که از او به یادگار مانده به اهمیت محبت و عشق اشاراتی دارد. نقل است که می‌گفت:

«می‌روم آتش در بهشت زخم و آب در دوزخ ریزم تا این هر دو حجاب رهروان از میانه برخیزد و قصد معین شود و بندگان خدا، خدا را بی‌غرض و نه به امید بهشت و یا خوف از دوزخ خدمت کنند».

هر چند که رابعه بنیان‌گذار نگرش محبت‌آمیز در عرفان اسلامی است، اما محبت و ارادت او به خداوند، او را در زمره کسانی قرار نداده است که تنها رجا و عشق الهی را در وجود خود متجلی ساخته و از خوف الهی غافل مانده‌اند.

آورده‌اند که او بسیار اشک می‌ریخت، همین که سخن از آتش به میان می‌آمد، مدهوش می‌شد و می‌گفت: «استغفارنا یتحتاج الی استغفار»، استغفار ما نیازمند استغفار است. این آموزش طلبی، نشانه‌ای از عمق خوف و مشیت او نسبت به خداست. این همان معرفت بلندی است که عارفان اهل خوف با خداوند داشته‌اند. آیت‌الله جوادی‌آملی در توضیح عبارت رابعه درباره استغفار طلبی از استغفار می‌نویسد: «دعای رابعه در واقع ترجمان دعایی از امام حسین (ع) در روز عرفه است که فرمود: خدایا کسی که خوبی‌های او بدی است، بدی‌هایش چگونه بد نباشد».

رابعه در سایه عنایت خداوندی به مقامی رسیده بود که هیچ‌گونه احساس نیازی به مردم نمی‌کرد. نقل است که او هرگز از مردم چیزی نپذیرفت و می‌گفت: «مالی حاجه بالدنیا!»؛ مرا به دنیا نیازی نیست. آنچه رابعه را در زمره اغنیای عرفا قرار داده بود، از یک سو محبت وافر به خدا و از سوی دیگر حزن شدید و خوف زیاد نسبت به باری تعالی بود. وی درباره حزن گفته است: «باید بیشتر متأثر باشیم؛ چرا که کمتر حزن می‌خوریم و باید بنالیم که چرا کم می‌نالیم.» بر این اساس، باید رابعه را از جمله افرادی بدانیم که حزن و خوف و محبت الهی را با هم داشته‌اند.

از همین رو بود که او در صدد کتمان حسنات خود برمی‌آمد و به دیگران هم توصیه می‌کرد نیکی‌های خود را بیوشانند همان‌طور که گناهان خود را استتار می‌کنند، چرا که اظهار خوبی، برای آدمی نقص است و زمینه خودنمایی را فراهم می‌آورد و سبب خودستایی آدمی می‌شود.

برای رابعه، خوف و حزن علاوه بر فراق و جدایی از خدا به سه چیز دیگر هم تعلق می‌گرفت و آن سه همان‌اند که او خود گفته است: «در غم سه چیز متحیر مانده‌ام: اول آنکه در وقت مرگ، ایمان به سلامت برم یا نه؟ و دوم آنکه نامه من به دست راست دهند یا نه؟ سوم [آنکه] در آن ساعت که جماعتی به دست راست به بهشت برند، و جماعتی به دست چپ به دوزخ، من از کدام باشم؟».

نیایش رابعه: مبنای نیایش و خواسته‌های آدمی مبتنی بر نوع شناختی است که از خود و خدا دارد؛ زیرا آدمی با خودشناسی به نیازهایش واقف می‌شود و با خداشناسی، انتظارات خود را تصحیح می‌کند. از آنجا که عارفان، خدا را فقط برای خدا می‌خواهند، دعاهايشان نیز تجلی این نوع نگرش است.

رابعه با توجه به این مبنا می‌گفت: «الهی ما را از دنیا هر چه قسمت کرده‌ای، به دشمنان خود ده و هر چه از آخرت قسمت کرده‌ای، به دوستان خود ده که مرا تو بسی».

از دیدگاه عارفان، ذات خدا رحمت است. رحمت و رأفت بر تمام اوصاف او پیشی گرفته است. بر اساس چنین شناختی از خداست که می‌گفت: «بار خدایا اگر مرا فردای قیامت به دوزخ فرستی سزای آشکار کنم که دوزخ از من هزار راه بگریزد» و نیز به درگاه الهی می‌خواند: «بار خدایا اگر مرا فردا در دوزخ کنی، من فریاد برآورم که وی را دوست داشتم، با دوست این کنند؟!».

اگر هدف نهایی عرفان را لقای پروردگار بدانیم، نوع دعای عارفان را درست خواهیم شناخت؛ چرا که اساسی‌ترین خواسته عارفان دستیابی به وصل حضرت حق است، رابعه نیز از جمله عارفانی است که نهایت طریق خود را رسیدن به ملاقات خدا می‌داند و تمام دعای خود را به این مقصود معطوف می‌سازد. او به خدای سبحان عرض می‌کند:

«الهی کار من و آرزوی من در دنیا از جمله دنیا، یاد توست و در آخرت، از جمله آخرت لقای توست. از من این است که گفتم، تو هر چه خواهی می‌کن».

دستیابی به چنین هدفی، جز با تحصیل مراتب عبادت حاصل نمی‌شود و عبادت وقتی نیکو و پذیرفتنی است که با حضور دل همراه شود. رابعه با اشاره به ضرورت این همراهی چنین می‌گفت: «یا رب دلم حاضر کن یا نماز بی دل بپذیر!».

با وجود تمام دلهره‌ای که رابعه درباره خدا داشت، هرگز امید از کف نمی‌داد و با وجود اقرار به استحقاق خود در افتادن به جهنم، خداوند را کریم‌تر از این مجازات می‌دانست.

امید رابعه و خوفش، همه در هوای محبوب بود نه چیز دیگر؛ اگر می‌هراسید، هراسش از آن بود که نکند از خدا و اولیای او دور افتد و اگر خائف و اندیشناک بود، همه خوف و اندیشه‌اش آن بود که چیزهای دیگر سد راه او شوند و از دیدار حق محروم ماند. در راه مکه چنین نیایش کرده است: «الهی دلم بگرفت. کجا روم؟! — من کلوخی، آن خانه سنگی — مرا تو می‌باید»، یعنی هدف تویی و تو هر جا باشی حجب همان جاست نه جای دیگر.

**مرگ رابعه:** مرگ از دیدگاه عارفان، وسیله رسیدن به دیدار حق و چشم در چشم او دوختن و به وصل او رسیدن است. رابعه نیز مانند سایر عارفان به مرگ، چنین می‌نگریست و بسان مولوی از شنیدن ندای مرگ سرمست می‌شد و ندای «اقتلونی» سر می‌داد؛ چه زندگی خود را در مرگ می‌یافت. چون زندگی، زیستن در جدایی، و مرگ، زیستن با دوست است.

«اقتلونی اُقتلونی یا ثقات      انّ فی قتلنی حیاتاً فی حیات»

زندگی بی دوست جان فرسودن است      مرگ حاضر غایب از حق بودن است



رابعه در سال ۱۳۵ هـ. ق وفات کرد و در بیت المقدس مدفون گشت. دربارهٔ سال وفات او نیز گفته‌اند که رابعه در سال ۱۸۵ هـ. ق از دنیا رفت و در قدس شریف به خاک سپرده شد و مزار وی زیارتگاه اهل سیر و سلوک و عرفان گشت.

### کاربرد «ی» استمراری

۱- در ادبیات قدیم، گاهی به جای «می» و «همی»، یایی (ی) در آخر ماضی مطلق می‌آوردند که آن را «یای استمراری» گویند؛ مانند: «گفتمی، گفتیمی، گفتیدی».

۲- گاهی «می» و «ی» هر دو را می‌آوردند:

کسان که در رمضان چنگ می‌شکستندی نسیم گل بشنیدند و توبه بشکستندی  
(سعدی)

۳- گاهی یای استمراری در آخر مضارع التزامی، معنای شرط را بیان می‌کند:

گر بیندیشدی ز آخر کار از بد و نیک گنبد گردان  
نه نهالی نشاندی به زمین نه بنایی برآوردی به جهان

(مسعود سعد)

۴- آوردن «ی» استمراری در آخر افعال در قدیم بسیار معمول بوده است:

خواجهٔ بزرگ احمدحسن، هر روزی به سرای خویش بار دادی تا نماز پیشین بنشستی و کاربراندی. من با پسران او بودمی و آنچه فرمودی، بنشتمی... چون نماز پیشین بکردیمی، بیگانگان بازگشتندی و دیران و قوم خویش مرا به خوان بردندی و نان بخوردیمی و بازگشتیمی.

(تاریخ بیهقی)

۵- شرح خواب: دربارهٔ شرح خواب، چه در نظم و چه در نثر غالباً این «ی» در آخر فعل ماضی می‌آید:

چنین دید گوینده یک شب به خواب که یک جام می‌داستی چون گلاب  
دقیقی ز جایی فراز آمد بر آن جام می‌داستان‌ها زدی

(فردوسی)

۶- در زبان فارسی کنونی، استمرار فعل را در حین انجام آن، با افعال «داشتن» و «مشغول بودن» و «درحال... بودن» بیان می‌کنند.

مانند: دیروز داشتم نامه می‌نوشتم که تو آمدی.

وقتی تو آمدی او در حال نهار خوردن بود.

من دیشب مشغول راه رفتن بودم.



## دروازه‌ای به آسمان

## روان خوانی

«دروازه‌ای به آسمان» علاوه بر سادگی نثر، موج‌های عرفانی و حماسی خاصی هم دارد که حس همدلی و افتخار و حماسه را به خوانندگانش عرضه می‌کند. نویسنده با طرحی تازه و شروعی نو سعی دارد با قدرت کلمات، تاریخ زرّین این مرز و بوم را همراه با جلوه‌های ناب ادبی برای آیندگان ترسیم کند و سعی دارد این ترسیم عاری از اغراق و هرگونه تصنع بوده و فرصت قضاوت را به خوانندگان بدهد. شهید آوینی این متن را با سه هدف بزرگ نگاشته است. در اولین هدف، شروع تجاوز ناجوانمردانه دشمن تا دندان مسلّح به مرزهای میهن شریف را وصف می‌کند و خزّمشهر را نقطه آغازین و نماد مقاومت در برابر این تجاوز می‌داند و این هدف را با تعبیرها و تشبیه‌هایی چون «خزّمشهر شقایقی خون رنگ است که داغ جنگ برسینه دارد...» توصیف می‌نماید. در هدف دوم، مردان خاکی و افلاکی ایران زمین را معرفی می‌کند که یکی از آنها «شهید جهان آرا» می‌باشد. در سومین هدف نیز پیوند انقلاب و جنگ را با اورهای دینی و به خصوص تاریخ اسلام و تشیع، به ویژه پیوند با حماسه حسینی به نمایش در می‌آورد تا به فرموده شهید بزرگوار دکتر چمران: «آیندگان بدانند ما عزیزترین و پرشکوه‌ترین کسانمان را فدای اسلام کردیم».

«دروازه‌ای به آسمان» در قالب یک متن کوتاه نوشته شده است، اگرچه رگه‌هایی از گزارش نیز در آن به چشم می‌خورد و در آن توصیف‌هایی عرفانی و حماسی و تشبیه‌هایی بدیع دیده می‌شود.

شهید آوینی راوی جنگ و نویسنده متعهدی بود که با زبانی شیوا و قلمی صمیمی، تاریخ فتح را برای آیندگان روایت کرد. سرانجام در این راه پرافتخار جام شهادت را نوشید. آوینی تاریخ جنگ و لحظه‌های ماندگار آن را در قالب فیلم‌های مستند و مجموعه «روایت فتح» و

تألیفاتی بدیع به آیندگان ارائه کرد و لقب «سید شهیدان اهل قلم» را از رهبر فرزانه انقلاب دریافت کرد.

سید مرتضی آوینی در شهریور ۱۳۲۶ در شهر ری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در شهرهای زنجان، کرمان و تهران گذراند. او از کودکی به هنر انس داشت، شعر می‌سرود، داستان و مقاله می‌نوشت و نقاشی می‌کرد.

در سال ۱۳۴۴ به عنوان دانشجوی معماری وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. معماری را با علاقه زیاد یادگرفت ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷) بنا به ضرورت‌های انقلاب، آن را کنار گذاشت و به فیلم‌سازی پرداخت.

او در گروه فیلم‌سازی جهاد سازندگی به کار مشغول شد. شهید آوینی می‌گوید: «انگیزش درونی هنرمندانی که در واحد تلویزیونی جهاد سازندگی جمع آمده بودند، آنها را به جبهه‌های دفاع مقدس می‌کشاند، نه وظایف و تعهدات اداری. روح کارمندی نمی‌توانست در این عرصه منشأ فعل و اثر باشد. گروه‌های فیلم برداری ما، با همان انگیزه‌هایی که رزم‌آوران را به جبهه کشانده بود، کار می‌کردند. اینجا عرصه‌ای نبود که فقط پای تکنیک و یا هنر در میان باشد».

هر چند آشنایی با سینما در مدت بیش از ده سال مستندسازی و تجربه‌های او در زمینه کارگردانی مستند و به خصوص مونتاژ، باعث شد که قبل از هر چیز به سینما بپردازد، ولی فکرها و حرف‌هایش بیشتر از اینها بود. او در کنار تألیف مقاله‌های نظری درباره ماهیت سینما و نقد سینمای ایران و جهان، مقالات متعددی در مورد حقیقت هنر، هنر و عرفان، هنر جدید اعم از رمان، نقاشی، گرافیک، تئاتر، هنر دینی و سنتی، هنر انقلاب و ... تألیف کرد که بیشتر آنها در «ماهنامه سوره» به چاپ رسید.

شهید آوینی در بیستم فروردین ۱۳۷۲ در حال بررسی ساخت فیلم مستند «شهری در آسمان» در اثر اصابت ترکش مین در منطقه فکه به شهادت رسید.

محمد جهان آرا سیزده ساله بود که پایش به فعالیت‌های دینی مساجد و هیأت‌های مذهبی باز شد. در کلاس‌های آموزش و تفسیر قرآن شرکت می‌کرد و عضو ثابت جلسات هفتگی هیأت‌های مذهبی بود. او در همین سال‌ها با یک گروه مبارز مخفی به نام «حزب‌الله خرمشهر» آشنا شد. دو سال بعد یعنی در ۱۳۵۱، گروه حزب‌الله توسط عوامل ساواک شناسایی شد و تمام اعضایش از جمله جهان‌آرا دستگیر و زندانی شدند. او به خاطر سن کمش به یک سال زندان محکوم شد. در سال ۱۳۵۴ دیپلمش را گرفت. در کنکور

دانشگاه قبول شد و برای ادامه تحصیل راهی مدرسه عالی بازرگانی تبریز شد. در دانشگاه نیز فعالیت‌های سیاسی او همچنان ادامه داشت. او به همراه دوستانش انجمن اسلامی مدرسه عالی بازرگانی را پایه‌گذاری کرد. اعلامیه‌های انقلابی و جزوه‌ها و بیانیه‌های ضد رژیم توسط این انجمن اسلامی میان دانشجویان توزیع می‌شد در سال ۱۳۵۵ جهان آرا به عضویت گروه «منصورون» که یک گروه مذهبی معتقد به مبارزه مسلحانه بود درآمد. از آن پس جهان آرا فعالیت‌های انقلابی خود را چه در زمینه مبارزه مسلحانه و چه در زمینه فعالیت‌های تبلیغی و آگاه کننده گسترش داد. وقتی تظاهرات مردمی علیه رژیم شاه در روزهای بهار و تابستان ۱۳۵۷ اوج گرفت، جهان آرا نیز به همراه دوستانش با فعالیت‌های چریکی و مسلحانه به نهضت مردم یاری می‌رساند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی محمد جهان آرا پس از دو سال و نیم زندگی مخفی به خرمشهر بازگشت. او و دوستانش در خرمشهر گروهی به نام «کانون فرهنگی نظامی انقلابیون خرمشهر» تشکیل دادند.

محمد جهان آرا در سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد. در همان سال فرماندهی سپاه خرمشهر را به عهده گرفت و هم‌زمان جهاد سازندگی خرمشهر را نیز پایه‌گذاری نمود. با شروع جنگ دوش به دوش مردم از شهر دفاع کرد. بعد از سقوط خرمشهر و عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا مرحله جدیدی از جنگ آغاز شد. اولین گام شکستن محاصره آبادان بود. این پیروزی در

مهر ۱۳۶۰ روی داد. به دنبال این پیروزی در روز هفتم مهر، محمد جهان آرا و تعداد دیگری از فرماندهان راهی تهران شدند تا گزارش عملکرد نیروها را به امام خمینی ارائه نمایند. در میانه راه هواپیمای حامل آنها دچار نقص فنی شد و سقوط کرد و جهان آرا و دیگر مسافران هواپیما به شهادت رسیدند.





# اسلام و انقلاب اسلامی

اسلام و انقلاب اسلامی



علم دین، بام کائنات است  
ز زبان، عقل و حس انسان است

حقیقه، ساین



# پیام آور رحمت

# ۱۲

درس دوازدهم



## اهداف آموزشی

- ۱- تقویت مهارت‌های خوانداری با لحن مناسب (عمل)
- ۲- تقویت توجه به کاربردهای آموزه‌های محتوایی درس، در زندگی روزمره (اخلاق)
- ۳- آشنایی بیشتر با احادیثی از پیامبر اسلام (ص) در زمینه کردار و رفتار نیکو (علم)
- ۴- توانایی مقایسه رفتارهای روزمره خود با معیارهای درس (تفکر)
- ۵- شناخت فعل‌های ماضی بعید و ماضی التزامی (علم)
- ۶- تقویت باور و ایمان نسبت به آموزه‌های تربیتی، اخلاقی و فرهنگی (ایمان)
- ۷- تقویت کاربردهای محتوایی متن درس در فعالیت‌های نوشتاری، گفتاری و رفتاری فراگیران (عمل)

## روش‌های تدریس پیشنهادی

- روشن سازی طرز تلقی
- روش کارایی گروه
- روش بارش مغزی و ...

## کار افزارها و رسانه‌های آموزشی

کتاب‌های مرتبط با درون‌مایه و مضمون درس، تخته، گچ، ماژیک، عکس، فیلم و ...  
در ارائه این درس چنانچه تصاویر یا بخش‌هایی از فیلمی مانند: «محمد رسول الله» به نمایش  
درآید، تدریس را اثرگذارتر می‌سازد.

## درنگی در متن

نثر این درس دارای دو بخش است: بخش نخست از اسلام و جهانی بودن آن سخن می‌گوید و سپس به کار سترگ پیام آور رحمت و فرستاده خدا، حضرت محمد (ص)، اشاره دارد و در بهره دوم با سخنان گران قدر ایشان پی گرفته می‌شود. لحن بخش نخست، علمی - آموزشی و لحن بخش دوم (ترجمه) لحنی روایی - تعلیمی است. از آموزه‌هایی که در این درس به آن اشاره شده است، می‌توان از پاکی نیت، بهره بردن به هنگام از نعمت جوانی، سلامتی، بی‌نیازی، برتری آگاهی، گشاده‌رویی و ... اشاره کرد. همچنین سعدی از سخن پیامبر (ص) در تمثیل: «مَثَلُ مُؤْمِنَانِ جَمَلَةٌ جَمَلَةٌ جَمَلَةٌ جَمَلَةٌ...» بهره برده و آن را در شعر معروف خویش: «بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند» به کار گرفته است. وجه شبه در تمثیل مؤمن و گنجشک، دارای تصویری بسیار جذاب است.

در فَعَالِیْتِ هَایِ نِوِشْتَارِی این درس به هدف‌های زیر توجّه کنیم :

تمرین یکم :

- بازخوانی متن
- تقویت مهارت در شناخت رابطه‌های واژگان
- تقویت مهارت نوشتاری واژگان
- (خوشبختی و سعادت)، (طنین و آواز)، (غنیمت شمردن و بهره بردن)، (تعالی و بلند مرتبه)، (آرزومند و مشتاق) و (حکمت و دانش).

تمرین دوم :

- تقویت شناخت انواع فعل ماضی
- تقویت مهارت تبدیل فعل‌های ماضی به یکدیگر
- تقویت صرف فعل‌های ماضی

تمرین سوم :

- تقویت و تمرکز در دریافت پیام عبارت
- تقویت شناخت برجستگی‌های یک موضوع
- تقویت مهارت نوشتاری یک بند با موضوعی ویژه

کتاب «پیام پیامبر» مجموعه‌ای گرد آمده از منابع حدیثی معتبر شیعه و اهل سنت (کتب اربعه و صحاح سته) است که با کوشش بهاء‌الدین خزّمشاهی و مسعود انصاری تدوین و ترجمه شده است. این کتاب در ده فصل تدوین شده که شامل : نامه‌های پیامبر اکرم (ص)، خطبه‌ها، وصایا، دعاها، تمثیل‌ها، احادیث قدسی و ... است. بدنه اصلی پیام پیامبر، فرهنگ واره احادیث موضوعی است.

استاد خزّمشاهی درباره این کتاب می‌گوید : حضرت رسول (ص) با قومی مواجه، معاصر و معاشر



بودند که ساده‌ترین آداب زندگی: از درست آب خوردن، غذا خوردن تا بی‌اجازه قبلی وارد خانه کسی نشدن تا آداب نشستن در مجلس و مسجد و مهمانی، تا نحوه انجام معاملات و غش در معامله نکردن را نمی‌دانستند. این سخنان از انسان‌هایی خام و ناپروورده، انسان‌هایی پخته و پرورده بار آورد.

\*\*\*

علاوه بر ارزشیابی‌های معمول مانند: روخوانی و روان‌خوانی، درک مطلب، معانی ترکیبات و واژه‌های جدید، خودارزیابی‌ها، نکات زبانی و ادبی، کار گروهی و تمرین‌های نوشتاری، می‌توان از سیاهه درجه‌بندی رفتار نیز استفاده کرد.

نمونه‌ای از مقیاس درجه‌بندی رفتار:

نام دانش‌آموز: ..... کلاس: ..... مدرسه: .....  
 شماره و ردیف دانش‌آموز در دفتر: ..... ماه: .....

انتظارات					عالی (۵)	خیلی خوب (۴)	خوب (۳)	متوسط (۲)	ضعیف (۱)
در فعالیت‌های گروهی شرکت می‌کند.									
در انجام فعالیت‌ها از خود خلاقیت نشان می‌دهد.									
به ایجاد تفکر و تولید دانش می‌پردازد.									
از مهارت گوش دادن به خوبی بهره می‌گیرد.									
از مهارت خوب سخن گفتن، استفاده می‌کند.									
در انتقال پیام از مهارت‌های غیرکلامی نیز بهره می‌گیرد.									
از کارافزارها و رسانه‌های مناسب دیداری، شنیداری و خوانداری استفاده می‌کند.									
جمع هر ستون									
امتیاز نهایی									

دبیران محترم می‌توانند افزون بر معیارها و سنجش‌های بالا، موارد دیگری را هم به تشخیص خود؛ اضافه نمایند.

## طرح درس پیام آور رحمت

<p>هدف های آموزشی</p>	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱- خوانش متن با لحنی مناسب</li> <li>۲- آشنایی بیشتر با ویژگی ها و آداب مسلمانی</li> <li>۳- توانایی به کارگیری آموزه های یاد شده در درس و بهره گرفتن از آن در زندگی روزمره</li> <li>۴- آشنایی بیشتر با احادیث پیامبر اسلام (ص) در زمینه کردار و رفتار نیکو</li> <li>۵- مقایسه رفتارهای روزمره خود با آموزه های درس</li> <li>۶- شناخت فعل ماضی بعید و التزامی</li> <li>۷- ...</li> </ol>
<p>هدف های رفتاری</p>	<p>– دانش آموز پس از پایان آموزش بتواند :</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱- معنی و مفهوم واژه های جدید و تازه درس را بازگو کند.</li> <li>۲- بعضی از آداب و رسوم مسلمانی را بیان، و در مورد آنها اظهار نظر کند.</li> <li>۳- مختصری از زندگی ابوذر را توضیح دهد.</li> <li>۴- ماضی بعید و ماضی التزامی را تشخیص دهد.</li> <li>۵- به خودارزیابی ها و کارگروهی و تمرین های نوشتن پاسخ های مناسب دهد.</li> <li>۶- درس را به راحتی روخوانی و روان خوانی کند.</li> <li>۷- بعضی از ویژگی های نثر مرسل را در نوشته های خود به کار برد.</li> <li>۸- درباره متن درس چند سؤال دیگر مطرح کند و به آنها پاسخ دهد.</li> <li>۹- به آداب و رسوم مسلمانی علاقه مند شود و در مورد آنها بحث و تبادل نظر کند.</li> </ol>
<p>مفاهیم</p>	<p>خداوند، آداب مسلمانی، ابوذر، رسول خدا (ص)، تواضع، نصرت، حرمت داشتن، کردار نیکو، روا کردن حاجت، فعل ماضی (بعید و التزامی)</p>
<p>روش تدریس</p>	<p>تلفیقی از روش های : روشن سازی طرز تلقی، کارایی گروه، بارش فکری و ...</p>
<p>چینش کلاس و گروه بندی</p>	<p>هنگام ارائه پیش سازمان دهنده و سخنرانی، دانش آموزان کلاس می توانند نعلی شکل بشینند و در هنگام اجرای روش روشن سازی طرز تلقی یا کارایی گروه دانش آموزان به صورت گروه های چهار یا پنج نفری دور میز مشترک و به صورت رو در رو می نشینند.</p> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;"> <div style="text-align: center;"> <p>تابلوی کلاس</p>  <p>گروهی</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>تابلوی کلاس</p>  <p>نعلی شکل</p> </div> </div>

<p>رسانه آموزشی</p>	<p>مطلب فصل پیشین، نکته‌های زبانی و ادبی، کار گروهی، مطالب قسمت نوشتن</p>	<p>معیاری</p>
<p>ایجاد ارتباط و انگیزه‌سازی</p>	<p>تقویت نگرش مثبت دانش‌آموزان از طریق فعالیت جمعی، بخش موسیقی مناسبی از آداب و رسوم مسلمانان مثل موسیقی فیلم «محمد رسول الله (ص)» و ... . توجه به ایجاد ارتباط غیر کلامی در آغاز ورود به کلاس، ارائه پیش‌سازمان دهنده در ارتباط با ویژگی‌های اجتماعی مسلمانان و ... .</p>	<p>تسهیل‌کننده</p>
<p>ارزشیابی</p>	<p>سؤالاتی از درس‌های تدریس شده قبل، مثل: ۱- فعل‌های ماضی را که تاکنون آموخته‌اند، بیان کنند. ۲- یک فعل ماضی ساده و یک فعل ماضی استمراری را مثال بزنند. ۳- در عبارت زیر فعل‌ها را مشخص کنید. مرداب حرکتی کرد و با ناراحتی گفت: چه کسی می‌خواهد خواب راحت را از من بگیرد؟</p> <p>سؤالاتی برای آماده ساختن ذهن دانش‌آموزان: ۱- حدیثی از پیامبر(ص) در زمینه وظایف مسلمانان نسبت به همدیگر بیان کنید. ۲- نوع فعل ماضی را در عبارت زیر مشخص کنید: محمد مصطفی(ص) برای گسترش دین اسلام به مدینه رفته بود. ۳- یک فعل ماضی التزامی مثال بزنند.</p>	<p>ارزشیابی آغازین</p>
<p>ارزشیابی</p>	<p>۱- کدام گزینه از وظایف مسلمان نسبت به هم است؟ الف) جهد کند شادی به دل مسلمان برساند <input type="radio"/>    ب) وعده خلاف ندهد <input type="radio"/> ج) پیران را حرمت دارد <input type="radio"/>    د) تمام موارد <input type="radio"/> ۲- فعل ماضی التزامی را در جمله داده شده مشخص کنید. «هر که حاجت مسلمانی را روا کند، همچنان باشد که همه عمر او را خدمت کرده باشد.» الف) روا کند <input type="radio"/>    ب) باشد <input type="radio"/>    ج) خدمت کرده باشد <input type="radio"/> ۳- ..... <input type="radio"/></p>	<p>ارزشیابی آمادگی</p>
<p>ارزشیابی</p>	<p>همراه با ارائه درس جدید پرسش‌هایی به عمل می‌آید تا میزان یادگیری در دانش‌آموزان را نشان دهد: ۱- فرمایش پیامبر که: «مَثَلُ مَوْمِنَانٍ، جمله چون یک تن است.» یعنی چه؟ ۲- وظیفه مسلمان در برابر ممنوع خود چیست؟ ۳- انواع فعل‌های ماضی را که تاکنون آموخته‌اید، با ذکر مثال نام ببرید.</p>	<p>ارزشیابی تکوینی</p>
<p>ارزشیابی پایانی با تراکی</p>	<p>۱- چند مورد از وظایف مسلمانی را که در این درس آمده است، بیان کنید. ۲- دو حدیث از پیامبر(ص) را در ارتباط با وظایف مسلمانی که در درس آمده است، بیان کنید. ۳- شعر: «بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند» با کدام قسمت درس ارتباط دارد؟ ۴- یک سخن ادبی در ارتباط با وظایف مسلمانان بیان کنید. ۵- چند آرایه ادبی را که در نوشتن جملات ادبی کاربرد دارند، بیان کنید.</p>	<p>ارزشیابی پایانی</p>

فَعَالِیَّت‌های دانش‌آموزان	فَعَالِیَّت‌های معلّم
<p>– دانش‌آموزان با معلّم ارتباط برقرار می‌کنند و به پرسش‌های او پاسخ می‌دهند.</p> <p>– دانش‌آموزان گروه‌بندی می‌شوند.</p> <p>– دانش‌آموزان در گروه‌های خود فعالیت‌ها را کار می‌کنند و طبق برنامه تدریس معلّم با او همکاری می‌کنند.</p> <p>– در گفت‌وگوها و مباحث درس شرکت می‌کنند.</p> <p>– فعالیت‌های تکمیلی را به دقت انجام می‌دهند.</p>	<p>– معلّم به وسیله مهارت‌های غیرکلامی با دانش‌آموزان ارتباط برقرار و ایجاد انگیزه می‌کند و از درس‌های قبل سؤال می‌کند.</p> <p>– معلّم بچه‌ها را گروه‌بندی می‌کند.</p> <p>– معلّم به ترتیب زیر به روش روشن‌سازی طرز تلقی، تدریس را شروع می‌کند:</p> <p>۱– گروه‌بندی تصادفی (۲ دقیقه)</p> <p>۲– دادن سؤال چند گزینه‌ای (۵ دقیقه)</p> <p>نکته: یک یا دو سؤال بایستی منفی باشد.</p> <p>مثال:</p> <p>آداب مسلمانی از نظر پیامبر (ص) عبارت است از:</p> <p>متکبر نبودن نسبت به همدیگر؛</p> <p>عدم آزار همدیگر با دست و زبان؛</p> <p>قهر نکردن با هموعان؛</p> <p>احترام به پیران و دلسوزی بر کودکان؛</p> <p>خوشرویی؛</p> <p>سخن‌چینی از همدیگر؛</p> <p>خلف وعده کردن؛</p> <p>ایجاد صلح و دوستی بین هموعان؛ و . . .</p> <p>دانش‌آموزان ضمن قبول بعضی گزینه‌ها، گزینه‌های منفی را مشخص و رد می‌کنند و گزینه‌های جدیدی ارائه می‌دهند.</p> <p>۳– مطالعه گزینه‌ها و انتخاب گزینه‌های مورد نظر توسط دانش‌آموزان (۷ دقیقه)</p> <p>۴– روخوانی درس و تثبیت طرز تلقی‌ها و افزودن گزینه‌های دیگر (۱۰ دقیقه)</p> <p>۵– جمع‌بندی توسط معلّم (۶ دقیقه)</p> <p>۶– ارزشیابی: معلّم آزمون دیگری به عمل می‌آورد. این آزمون سطح پیشرفت و آمادگی دانش‌آموزان را برای یادگیری درس‌های بعدی نشان می‌دهد. (۱۰ دقیقه)</p>

۷- ارائه فعالیت‌های تکمیلی. (۵ دقیقه)

جمع‌بندی مطالب با استفاده از روش روشن‌سازی طرز تلقی :

- به سؤال‌های زیر، اول به صورت فردی پاسخ دهید، سپس در گروه جواب‌ها را بنویسید، بعد نماینده هر گروه پاسخ‌ها را بر روی تابلو و در جدول پاسخ‌نامه با توجیه لازم بنویسد.

۱- کدام یک از گزینه‌های زیر طبق فرمایش پیامبر(ص)، از ویژگی‌های یک مسلمان نیست؟

الف) سخن چینی ○ ب) خلف وعده ○ ج) گشاده رویی ○ د) الف و ب ○

۲- کدام یک از موارد زیر از خصلت‌های منافق نیست؟

الف) دروغ گوید ○ ب) در امانت خیانت کند ○

ج) خلف وعده کند ○ د) وفای به عهد داشته باشد ○

۳- از نظر پیامبر(ص) چه چیزی از روزه، صدقه و نماز فاضل‌تر است؟

الف) صلح افکندن در بین مسلمانان ○ ب) دلسوزی نسبت به کودکان ○

ج) احترام به بزرگ‌ترها ○ د) آزار ندادن دیگران ○

۴- .....

سؤال	گروه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
۱							
۲							
۳							
۴							

۸- ارائه فعالیت‌های تکمیلی (۵ دقیقه)

فردی :

۱- پاسخ تمرین‌های فعالیت‌های نوشتاری را بنویسید.

۲- پاسخ خودارزیابی‌ها را بعد از تأمل کافی بیان کنید.

۳- درس سیزدهم (آشنای غریبان) را پیش‌خوانی کنید و ارتباط آن را با درس در یک بند بنویسید.

گروهی :

کار گروهی ۱ را گروه‌های ۱ و ۲ و ۳ و کار گروهی ۲ را گروه‌های ۴ و ۵ و ۶ برای جلسه آینده آماده کنند.

این درس را برای اعضای خانواده خود بخوانید و نظرات آنان را در دو صفحه به صورت گزارشی به کلاس ارائه کنید.

## سیرت سلمان

## حکایت

مجدالدین خوافی از نویسندگان نیمه اول قرن هشتم هجری و از جمله استادانی است که توانست مجموعه‌ای به نام روضه خلد را به تقلید از گلستان سعدی فراهم آورد.

روضه خلد در هجده باب نگاشته شده است که هر باب با توضیحاتی درباره همان باب، آغاز و سپس با بیان حکایت‌هایی مرتبط با آن ادامه می‌یابد. حکایت‌های این کتاب همانند کتاب گلستان، نثری آمیخته به نظم و متضمن آیات، احادیث، اخبار، حکمت و... است.

سلمان فارسی از اصحاب ایرانی حضرت محمد (ص) بود که ایشان او را از اهل بیت خود معرفی کرده است. وی در جنگ خندق از طراحان اصلی حفر خندق به شمار می‌آید. او در پایان عمر خود، والی مدائن شد.

خوانش متن با لحن روایی و همراه با خرده لحن‌های جمله‌های امری و خبری بر اثرگذاری و دریافت آموزه‌های حکایت مؤثر است. ساده‌زیستی از آموزه‌های عملی زندگی است که رهبران و فرماندهان جامعه اسلامی همواره بدان پایبند بوده‌اند. دوری و بیزاری از غرور و تکبر، خرسند ساختن افراد جامعه و همدلی با آنان و عمل به تکلیف و وظیفه، از نکته‌هایی است که در این حکایت به آن اشاره شده است.

